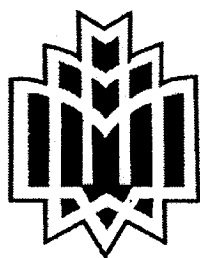


طال المظالم



دانشگاه تربیت معلم

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان رساله‌ی دکتری:

انسجام در غزل فارسی

«تحلیل مقایسه‌ای چند غزل حافظ و سعدی»

استاد راهنما:

دکتر تقی پورنامداریان

استادان مشاور:

دکتر حبیب‌الله عباسی - دکتر ناصرقلی سارلی

دانشجو:

طاهره ایشانی

مهر ماه ۱۳۸۹

۱۴۷۳۸۰

کتابخانه‌ی مرکزی
فصلنامه‌ی زبان و ادبیات فارسی

۱۳۸۹/۹/۱۴



باسمه تعالی

صورت جلسه دفاع از رساله دکتری

جلسه دفاع از رساله دکتری خانم طاهره ایشانی دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان: «تحلیل عوامل انسجام در غزل فارسی (بررسی و مقایسه غزل حافظ و سعدی)» در ساعت ۱۶:۳۰ روز شنبه مورخ ۸۹/۷/۱۰ در محل سالن کنفرانس دانشکده ادبیات و علوم انسانی با حضور امضاء کنندگان ذیل تشکیل شد:

۱- استاد راهنما (۱): دکتر تقی پورنامداریان

۲- استاد راهنما (۲):

۳- استاد مشاور (۱): دکتر حبیب الله عباسی


۴- استاد مشاور (۲): دکتر ناصرقلی سالاری

۵- عضو هیأت علمی (داور مدعو): دکتر مجتبی منشی زاده

۶- عضو هیأت علمی (داور مدعو): دکتر احمد تمیم داری

۷- عضو هیأت علمی (داور داخلی): دکتر حکیمه دبیران

۸- عضو هیأت علمی (داور داخلی):

پس از استماع گزارش تحقیقاتی و پاسخ ایشان به پرسش‌های طرح شده، هیأت داوران کار تحقیقاتی خانم طاهره ایشانی را در سطح  ارزشیابی نمود.

رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مدیر گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

صحت مندرجات فوق
مسورد تایید است

پیشکش به:

روان پاک پدرم،

مادر مهربانم

و

برادر بزرگوارم محمد ابراهیم

که همراهی اش همواره پشتوانه‌ام بوده است.

سپاس نامه

وظیفه‌ی خود می‌دانم قبل از هر سخنی در این باب، به روح همه‌ی فرزندگان و بزرگان‌ی که در حوزه‌ی علم و ادب، تحمّل زحمت نموده‌اند به ویژه شادروان دکتر جعفر شهیدی و دکتر علی محمد حق‌شناس که افتخار شاگردیشان را داشته‌ام، درود فرستم.

بیان سپاس فراوانم از استاد فرزانه‌ام جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان تنها قلمی و شفاهی نتواند بود که ارادتی است قلبی. شایسته است بیان کنم در تمام دوران شاگردی و انجام این اثر از راهنمایی‌های صمیمانه و ازשמندشان بهره‌ها بردم و راستی در رفتار را از ایشان آموختم. آرزومند صحت و عافیت و گوهرافشانیشان در مجلس ادبا هستم.

هر چند از پاسخ‌گویی به نیکی‌ها و بزرگواری‌های دیگر استادانم ناتوانم، فروتنانه از: راهنمایی‌های دقیق و نکته‌سنجی‌های ارزشمند استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر حبیب‌الله عباسی سپاسگزارم. او که مرهون محبت‌ها و دلگرمی‌هایش هستم و تا آخرین دقایق اتمام رساله حامی‌ام بوده است. و نیز فضل و متانت استاد شریف و بزرگوایم جناب آقای دکتر ناصرقلی سارلی را سپاسگزارم که جرأت گام‌نهادن در وادی زبان‌شناسی را در من به وجود آوردند و شوق نوشتن این رساله را در نهاد من برانگیختند. هر چند که سعادت بهره‌مندی از حضور ایشان را در این جلسه ندارم؛ برای ایشان سفری پربار و خوش آرزومندم و به یقین دعای خیر من بدرقه‌ی راهشان است. و هم بر خود بایسته می‌دانم از جناب آقای دکتر باقری که قبول زحمت نمودند و جای خالی استاد مشاور گرامیم دکتر سارلی را در این جلسه سبز نمودند، تشکر نمایم.

بر خود فرض می‌دانم از دقت نظر و رهنمودهای ژرف داوران گرامی جناب آقای دکتر منشی‌زاده و جناب آقای دکتر تمیم‌داری که از دانشگاه علامه طباطبایی قبول زحمت نمودند و تشریف فرما شدند، تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین سپاسگزاری می‌کنم از سر کار خانم دکتر دبیران، که به خُلق نیکش شهره‌ی خُلق است و همیشه و هر لحظه دعای خیرش فریادرس. او که افتخار شاگردی ایشان را همواره داشته‌ام و زحمت داوری رساله‌ی پر ملال را نیز بر عهده گرفتند. و سپاس بی‌شائبه‌ی خود را به سر کار خانم دکتر سلطانی مدیر محترم گروه نثار می‌نمایم که همواره در تلاش برای افتخارآفرینی گروه هستند. از جان سپاسگزارم حمایت‌ها و کمک‌های استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر فلاح چه اکنون که جایگاه استادی بزرگوای را دارند و چه در گذشته که با درایت و دانش خویش مدیریت گروه را نیز به عهده داشتند. سپاس می‌نهم زحمات جناب آقای دکتر فاضل اسدی را در ویرایش و آماده‌نمودن مقاله‌ام برای ارائه در کنفرانس بین‌المللی کشور اسلونی و همچنین جناب آقای دکتر مسعود

جعفری که زحمت پست کتابِ گوتوینسکی از آمریکا را که یکی از منابع این پژوهش بود، برایم متقبّل شدند.

بر خود می‌بالم و البته قدردانم از حضور گرم سرکار خانم حقیقی که در دوره‌ی پیش از بازنشستگیِ خود، کارشناس گروه بودند و همیشه به حق جایگاه مادری مهربان را برای تمامی دانشجویان داشته‌اند و دارند. و از راهی دور در جلسه‌ی دفاع حضور یافتند و قدم بر دیدگانم گذاشتند. این جلسه را منوّر نمودند و مرا مفتخر. خانم محرابی عزیز را نیز قدردانم که از لحظه‌ی ورود من به این دانشگاه همیشه دعاگویم بود و هر لحظه مشوقم. از سرکار خانم شیخ‌حسینی، سرکار خانم رنجبر و جناب آقای جعفریان که مقدمات برگزاری این جلسه را فراهم نمودند نیز سپاسگزارم. و قدردانم زحمات سرکارخانم ملک‌لو کتابدار محترم دانشکده‌ی ادبیات که همواره با سعه‌ی صدر یاریگرم بوده است.

خانواده‌ام به ویژه برادر بزرگوaram جناب آقای محمد ابراهیم ایشانی را- که هر لحظه و هر جا حامی و مشوقم بوده و هست- ارج می‌نهم؛ به پاس مهر و حمایت بی‌دریغشان که به من هدیه داشتند، آن‌ها که همواره پشتیبان و امید من در زندگی هستند.

به دور از انصاف است اگر که فراموش کنم محبت‌ها و مهربانی‌های خالصانه‌ی پروفیسور هلیدی و به ویژه پروفیسور رقیه حسن را که مرا بدون هیچ شناختی و البته بدون هیچ چشم‌داشتی به سرزمین خود دعوت نمودند و راهی نو فرا راه زندگیم قرار دادند. پاس می‌دارم خلوص و پاکی پروفیسور رقیه حسن را و قدر دانم لحظه‌لحظه‌هایی را که برای آموختن به من هدیه کرد. همچنین سپاسگزارم از پروفیسور دیوید بات و همسرش خانم دکتر آنابل لوکین که زحمات زیادی را در طول مسافرتم متقبّل شدند و گذشت و مهربانی را از آنان آموختم. البته این سفر پربار مقدّر نمی‌شد اگر که نبود حمایت‌های استاد بزرگوaram جناب آقای دکتر ارسلان قربانی، قائم مقام محترم وزیر علوم، تحقیقات و تکنولوژی. هرگز محبت‌ها و تلاش‌هایش را فراموش نخواهم کرد. دعایم همواره همراهش باد.

دوستان خوبم را که در زیباترین خاطرات زندگی، با هم آسمانی از مهربانی و صمیمیت ساختیم، سپاس می‌نهم. همچنین قدردانم از تمامی کسانی که رنج راه دور را بر خود نهادند و با حضور صمیمانه‌شان مرا مفتخر کردند. مقدم برادرانم جناب آقای محمد ابراهیم ایشانی، جناب آقای محسن ایشانی و برادرزاده‌ی عزیزم ملیکا و پسر عموی گرامی‌ام جناب آقای مهندس علی‌اکبر محمدی را گرامی می‌دارم و زحمات دوستان عزیزم که همیشه همراه بودند و تنهایم نگذاشتند به ویژه سرکار خانم معصومه همتی، سرکار خانم مهندس فرزانه درخشان، سرکار خانم دکتر فاطمه علیرضایی، سرکار خانم صدیقه ملانجفی، سرکار خانم مهندس آمنه صفریان، سرکار خانم مهتاب

هدایتی، سرکار خانم طیبه عباسلو، سرکار خانم فائزه عامل صحافی، سرکار خانم زهرا شاکریور، سرکار خانم فاطمه صفریان، سرکار خانم مهندس ماهرخ سردشتی، سرکار خانم مهندس سعیده حاجوی، سرکار خانم مهندس مریم کهریزی و سایر دوستانم را ارج می‌نهم. حضور سبز میهمانان گرامی را یادگار روزهای پر خاطره‌ی تحصیل به ثبت می‌رسانم و تک تک آن‌ها را قدر دانم.

در پایان همان‌طور که استادان بزرگوایم پیوسته یادآور می‌شوند و همچنین عماد کاتب می‌نویسد که: «چنان دیدم که هیچ کس کتابی نمی‌نویسد الا که چون روز دیگر در آن بنگرد، گوید: اگر فلان سخن چنان بودی بهتر گشتی، و اگر فلان کلمه بر آن افزوده شدی نیک‌تر آمدی.» امروز من نیز چنین می‌گویم و بر این باورم که گرچه نگاشتن این رساله به پایان رسید؛ اما راه اصلاح و نگارش آن همچنان باقی است. لذا آنچه سخن‌شناسان و داوران گرانقدر بر این پژوهش خرده می‌گیرند، به دیده‌ی منت می‌پذیرم و حتماً نکته‌های دقیقشان را در این رساله لحاظ می‌نمایم.

و لله الحمد اولاً و آخراً

چکیده

اغلب میان پژوهشگران ادبی در مورد انسجام و پیوستگی میان ابیات غزل حافظ اختلاف عقیده وجود دارد: گروهی به طور ضمنی ویژگی اصلی غزل حافظ را گسسته‌نمایی و به عبارتی نداشتن انسجام و ارتباط معنایی در محور عمودی غزل بیان کرده‌اند. در مقابل، گروه دیگری معتقد به وجود ارتباط میان ابیات و در نتیجه انسجام در غزل حافظ هستند. در این تحقیق، می‌کوشیم بر اساس نظریه‌ی هلیدی و حسن و مفهوم «هماهنگی انسجامی» روشی برای تعیین میزان کمی انسجام و پیوستگی در متن - در اینجا غزل- پیشنهاد کنیم. مایکل هلیدی و رقیه حسن در سال ۱۹۷۶ عوامل انسجام در زبان انگلیسی را معرفی کردند. در سال ۱۹۸۴ حسن مؤلفه‌ای مکمل به نام هماهنگی انسجامی عرضه کرد که در نو به بررسی‌های مربوط به انسجام و پیوستگی متن گشود. در سال ۱۹۸۵ در اثری مشترک با هلیدی، نظریه‌ی خود و هلیدی را بسط داد و تکمیل کرد. در پژوهش حاضر، ضمن معرفی عوامل انسجام و هماهنگی انسجامی و دیگر مبانی ضروری در این زمینه، کاریست نظریه‌ی یاد شده در ده غزل حافظ نشان داده شده است. از آنجایی که غزل سعدی به داشتن انسجام و پیوستگی شهرت دارد، غزل‌های منتخب حافظ را با چند غزل سعدی تحلیل و مقایسه کرده‌ایم. پس از تحلیل آماری عوامل انسجامی موجود در این غزلیات و همچنین بررسی درجه‌ی کمی انسجام و پیوستگی زبانی در آن‌ها به این نکته دست یافتیم که غزل‌های منتخب حافظ همانند غزل‌های منتخب سعدی از انسجام و پیوستگی زبانی لازم برخوردارند. بر اساس فرضیه‌های هماهنگی انسجامی نمی‌توان گفت این غزل‌ها - هم غزل حافظ و هم غزل سعدی- پیوستگی ندارند یا پیوستگی‌شان ضعیف است؛ اگرچه درجه‌ی پیوستگی غزل‌های این دو نسبت به انسجامشان کمتر است. از سوی دیگر دریافتیم نوع عوامل انسجامی به کار رفته در این غزلیات، در درجه‌ی انسجام متن و همچنین درک و فهم بیشتر متن تأثیر بسزایی دارند. و در پایان نیز به این نتیجه رسیدیم که این نظریه با وجود این که در زبان انگلیسی مطرح شده، قابلیت کاربست در متون ادبی فارسی را نیز دارد. بنابراین، با کاریست این نظریه که بر پایه‌ی علمی است، می‌توان درجه‌ی انسجام و پیوستگی هر یک از غزلیات حافظ و یا دیگر متون- ادبی و غیر ادبی - را از نظر کمی مشخص کرد.

کلیدواژه‌ها: هلیدی و حسن، انسجام، پیوستگی، هماهنگی انسجامی، غزل، مضمون، حافظ، سعدی

فهرست مطالب

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱.....	درآمد.....
۳.....	مقدمه (کلیات تحقیق).....
	۱. زبان‌شناسی
۱۶.....	۱-۱- کلّیات.....
۱۶.....	۱-۱-۱- زبان‌شناسی و ادبیات.....
۱۸.....	۱-۲- تاریخچه مختصر زبان‌شناسی نوین.....
۲۱.....	۱-۳- معرفی تحلیل گفتمان.....
۲۴.....	۱-۴- زبان‌شناسی نقش‌گرا.....
۲۶.....	۱-۴-۱- متن.....
۲۸.....	۱-۴-۲- بافت.....
۲۹.....	۱-۴-۲-۱- بافت زبانی.....
۳۰.....	۱-۴-۲-۲- بافت موقعیت.....
۳۱.....	۱-۴-۲-۲-۱- فرانش.....
۳۳.....	۱-۴-۲-۲-۲- مفهوم گذرایی در SFL.....
۳۴.....	۱-۴-۳- بافتار.....
۳۵.....	۱-۴-۳-۱- انسجام.....
۳۵.....	۱-۴-۳-۱- پیوستگی.....
	۲-۱- انسجام
۳۷.....	۲-۱- معرفی انسجام.....
۳۸.....	۲-۱-۱- عوامل انسجام.....
۴۱.....	۲-۱-۱-۱- انسجام دستوری.....
۴۲.....	۲-۱-۱-۲- انسجام واژگانی.....
۴۴.....	۲-۱-۲- گره و زنجیره.....
۴۵.....	۲-۲- هماهنگی انسجامی.....

فهرست مطالب

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۴۸.....	۱-۲-۲-۱- فرضیه‌های هماهنگی انسجامی.....
	۲- غزل
۴۹.....	۱-۲- جایگاه انسجام در مباحث ادبی ایران.....
۵۲.....	۲-۲- غزل و سیر تحوّل آن در ارتباط با انسجام.....
	۳- تحلیل
۷۱.....	۱-۳- روش تحلیل.....
۷۲.....	۲-۳- تحلیل انسجام و پیوستگی در ده غزل حافظ.....
۷۲.....	۱-۲-۳- تحلیل غزل «چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست».....
۹۲.....	۲-۲-۳- تحلیل غزل «ساقی به نور باده برافروز جام ما».....
۱۰۰.....	۳-۲-۳- تحلیل غزل «حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم».....
۱۰۷.....	۴-۲-۳- تحلیل غزل «دی پیر می‌فروش که ذکرش به خیر باد».....
۱۱۴.....	۵-۲-۳- تحلیل غزل «دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند».....
۱۲۱.....	۶-۲-۳- تحلیل غزل «دوش رفتم به در میکده خواب‌آلوده».....
۱۲۹.....	۷-۲-۳- تحلیل غزل «تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد».....
۱۳۶.....	۸-۲-۳- تحلیل غزل «سال‌ها پیروی مذهب رندان کردم».....
۱۴۴.....	۹-۲-۳- تحلیل غزل «ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست».....
۱۵۲.....	۱۰-۲-۳- تحلیل غزل «دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را».....
۱۶۳.....	۳-۳- تحلیل انسجام و پیوستگی در ده غزل سعدی.....
۱۶۳.....	۱-۳-۳- تحلیل غزل «اگر مراد تو ای دوست بی‌مرادی ماست».....
۱۷۵.....	۲-۳-۳- تحلیل غزل «شب عاشقان بیدل چه شبی دراز باشد».....
۱۸۳.....	۳-۳-۳- تحلیل غزل «ای ساریان آهسته رو کارام جانم می‌رود».....
۱۹۴.....	۴-۳-۳- تحلیل غزل «دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد؟».....

فهرست مطالب

<u>شماره صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۲۰۳.....	۳-۳-۵- تحلیل غزل «همه عمر برندارم سر ازین خمار مستی».....
۲۱۳.....	۳-۳-۶- تحلیل غزل «مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست».....
۲۲۴.....	۳-۳-۷- تحلیل غزل «در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم».....
۲۳۱.....	۳-۳-۸- تحلیل غزل «آمدی وه که چه مشتاق و پریشان بودم».....
۲۳۸.....	۳-۳-۹- تحلیل غزل «خرم آن بقعه که آرامگه یار آنجاست».....
۲۴۵.....	۳-۳-۱۰- تحلیل غزل «مشتاقی و صبوری از حد گذشت یارا».....
۴- بحث و نتیجه گیری	
۲۵۵.....	۴-۱-۱- بحث و بررسی غزل‌ها.....
۲۵۶.....	۴-۱-۱-۱- بررسی و محاسبه‌ی عوامل انسجامی در غزل‌های تحلیل شده‌ی حافظ و سعدی.....
۲۶۳.....	۴-۱-۲-۱- محاسبه و بررسی کلی انسجام و پیوستگی در غزل‌های تحلیل شده‌ی حافظ و سعدی.....
۲۶۵.....	۴-۱-۲-۱-۱- بررسی انسجام و پیوستگی در غزل‌های منتخب حافظ.....
۲۶۸.....	۴-۱-۲-۲- بررسی و مقایسه‌ی انسجام و پیوستگی در چند غزل منتخب حافظ و سعدی.....
۲۷۰.....	۴-۲- نتیجه گیری.....
۲۷۲.....	- فهرست منابع.....
۲۷۹.....	- فهرست جداول.....
۲۸۳.....	- واژه‌نامه‌ی انگلیسی به فارسی.....
۲۸۷.....	- واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی.....
۲۹۲.....	- چکیده انگلیسی.....

درآمد

تحقیق حاضر، تحلیل عوامل انسجام (cohesive devices)^۱ و هماهنگی انسجامی (cohesive harmony) در غزل فارسی بر اساس نظریه‌ی هلیدی و حسن (Halliday & Hasan: 1976, 1985) است.

نظریه‌ی انسجام هلیدی و حسن، اوّل بار در تحلیل عوامل انسجامی در زبان انگلیسی به کار رفت. این نظریه قابلیت استفاده در هر زبانی را دارد؛ هرچند که ممکن است الگوهای انسجامی زبان‌ها متفاوت باشد. آدیامی دارامولا^۲ (55-54: 1990) در این مورد می‌نویسد: «این نظریه در زبان‌هایی چون چینی، هندی، مالزیایی، اندونزیایی، عربی و ... به کار بسته شده و یا در حال کاربست است.» البته این نقل قول مربوط به سال ۱۹۹۰ است و قاعدتاً تاکنون این نظریه در زبان‌های دیگری علاوه بر زبان‌های یاد شده به کار رفته است. آدیامی خود نیز این نظریه را در زبان یوروبای^۳ (Yoruba) به کار بسته است.

هلیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ عوامل انسجام در زبان انگلیسی را معرفی کردند. در سال ۱۹۸۴ رقیه حسن در مقاله‌ای به نام «Coherence and Cohesive Harmony» نظریه‌ی قبلی خود و هلیدی را بسط داد و تکمیل نمود. او در این اثر، مؤلفه‌ی مکملی با نام هماهنگی انسجامی (cohesive harmony) را برای یافتن و اثبات پیوستگی در متن ارائه کرد. یک‌سال بعد او و مایکل هلیدی، اثر مشترک بعدی را - که در واقع مکمل اثر قبلی (1976) است - با عنوان "Language, context and text: aspects of language in a social- semiotic perspective" منتشر کردند.

به نظر رقیه حسن، انسجام برای دستیابی به پیوستگی متن، عاملی لازم است اما کافی نیست (1984b:210). بنابراین، صرف یافتن عوامل انسجام در یک متن، مبین انسجام آن متن نیست بلکه پس از یافتن این عوامل، باید ارتباط متقابل این عوامل با یکدیگر را بر اساس دستور زبان نقش‌گرا (functional grammar) نشان داد. هر متنی اگر متن باشد، باید ویژگی اصلی انسجام را داشته باشد. در واقع، ابزار اصلی برای تشخیص متن از غیر متن - به ویژه متن نوشتاری - انسجام و داشتن هماهنگی انسجامی است. برای دست‌یافتن به هماهنگی انسجامی در یک متن و اثبات این‌که آن متن بر طبق این نظریه منسجم و پیوسته است، آشنایی با ملاحظات زیر ضروری است:

۱. عوامل انسجام در یک متن
۲. ارتباط متقابل این عوامل انسجام یا تعامل زنجیره‌ای (chain interaction)
۳. دستور زبان نقش‌گرا که هلیدی پایه‌گذار آن بوده است.

^۱ شایان یادآوری است در معادل‌سازی تمام واژگان لاتین به فارسی از کتاب «واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته» (۱۳۷۹) از همدخت همایون. چاپ اوّل (ویرایش دوم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. استفاده شده است.

^۲ Adeyami Daramola

^۳ زبان گروهی از مردم آفریقای شرقی

پس از تصویب موضوع رساله، قرار بر این بود که به بررسی عوامل انسجام در غزل فارسی بر اساس نظریه‌ی هلیدی و حسن در کتاب «Cohesion in English» (1976) با عنوان «تحلیل عوامل انسجام در غزل فارسی (بررسی و مقایسه‌ی غزل حافظ و سعدی)» پردازیم؛ اما پس از سفر به استرالیا - طی دوره‌ی فرصت مطالعاتی - و استفاده‌ی مستقیم راهنمایی‌های پروفسور رقیه حسن و مطالعه‌ی کتاب‌های مربوط به این نظریه ملاحظه نمودم که پروفسور رقیه حسن این نظریه را بسط داده و به نتایج جالبی دست یافته‌اند که در بالا به آن اشاره شد.

بنابراین، تا حدّ زیادی روش کار تغییر داده شد و موضوع تحقیق حاضر پس از مشورت با پروفسور رقیه حسن و همچنین استادان راهنما و مشاور به صورت زیر تغییر کرد:

«انسجام در غزل فارسی؛ تحلیل مقایسه‌ای چند غزل حافظ و سعدی»

"Cohesion in Persian Ghazals: A comparative analysis of some ghazals by Hafez and Sa'di"

که در رساله‌ی حاضر به آن می‌پردازیم.

مقدمه

کلیات تحقیق

مقدمه

- سؤالات تحقیق

۱. آیا نظریه‌ی هلیدی و حسن قابلیت کاربردی در بررسی انسجام و پیوستگی غزل حافظ و سعدی دارد یا خیر؟
۲. عوامل انسجام در غزل حافظ و سعدی چیست؟ و چه تفاوتی با هم دارند؟
۳. با توجه به عوامل انسجام و همچنین پیوستگی، آیا غزل حافظ بر خلاف آرای محققانی چون کسروی، خرمشاهی، براهنی، دشتی و... منسجم و پیوسته است؟

- فرضیات تحقیق

۱. بر اساس نظریه‌ی هلیدی و حسن، می‌توان عوامل انسجام متن ادبی (غزل) را استخراج و طبقه بندی کرد.
۲. تفاوت‌های عوامل انسجام در غزل حافظ و سعدی قابل درک و دریافت است.
۳. غزل حافظ و سعدی از نظر عوامل انسجامی با هم فرق دارند ولی در هر صورت هر دو منسجم هستند.
۴. غزل حافظ منسجم است و هر یک از عوامل انسجامی در غزل حافظ به منزله‌ی حلقه‌هایی هستند که این ابیات به ظاهر متنوع المضمون را، از لحاظ معنایی و زبانی به هم متصل می‌نمایند.

- ضرورت تحقیق

انسجام و پیوستگی متن در بلاغت سنتی ما بسیار ضعیف مطرح شده و این مسئله بیشتر در یک بیت در نظر گرفته شده است. بحث در این زمینه محدود به "عیوب فصاحت" بوده و از این رو این موضوع تحت عنوان "تنافر معنایی" به گونه‌ای سلبی و ارزش گذارانه مطرح گردیده است. اما بحث در مورد انسجام، در جهت عکس آن یعنی در باب تنوع مضامین بیشتر از خود انسجام، مورد توجه بلیغان بوده است. با توجه به تمام توضیحات داده شده ضرورت پرداختن به مسئله‌ی انسجام و همچنین پیوستگی عناصر یک متن با یکدیگر در غزل فارسی (به عنوان یک کل واحد) - که به صورتی عینی و جامع مورد توجه نبوده است - احساس می‌شود.

همچنین از آنجایی که دیدگاه‌های مختلف و متفاوت در باب انسجام در شعر حافظ وجود دارد و همین امر باعث اختلاف نظر پژوهشگران در این زمینه شده است، نکته‌ی حائز اهمیت در این تحقیق این است که آیا واقعاً در غزل حافظ این انسجام و پیوستگی وجود دارد یا خیر؟

مسئله‌ی دیگری که اشاره به آن ضرورت دارد این است که در رابطه با انسجام در غزل سعدی تقریباً اتفاق آراء وجود دارد؛ چنان‌که خرمشاهی (۱۳۶۱: ۱۸-۱۹) بر این باور است که «حافظ با آن که بیش از هر شاعر دیگری از سعدی اثر برده و به اقتضای بسیاری از غزل‌های او رفته و بسیاری از مضامین او را اقتباس کرده و چندین مصراع او را عیناً در غزلیات خود درج و تضمین کرده، بافت سخنش از نظر عدم تلائم و فقدان انسجام معنایی، کمترین شباهتی با سخن منسجم سعدی ندارد.» به همین دلیل سعی بر آن است که غزلیات این شاعر با حافظ از این دیدگاه تازه، تحلیل و مقایسه گردد.

- پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی انسجام و پیوستگی در غزل آن‌گونه که در این رساله بحث شده، هیچ کار تحقیقی صورت نگرفته است و تنها می‌توان از تحقیقاتی نام برد که به طور جداگانه یا در زمینه‌ی انسجام کار شده - بیشتر رساله‌ها و مقالات مربوط به رشته‌ی زبان‌شناسی - و یا در مورد غزل - در رشته‌ی ادبیات فارسی - بدون کاربست این نظریه انجام شده است. البته تقریباً تمام پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های مربوط به انسجام که مورد بررسی قرار گرفت، بر اساس نظریه‌ی اولی‌هی هلیدی و حسن در سال ۱۹۷۶ است. به احتمال زیاد نویسندگان این مقالات و رساله‌ها از ادامه و تکمیل این نظریه توسط رقیه حسن در سال ۱۹۸۴ و همچنین هلیدی و حسن در سال ۱۹۸۵ بی‌اطلاع بوده‌اند.

از آن‌جایی که حوزه‌ی کار پژوهش حاضر، انسجام در غزل و تحلیل چند غزل حافظ و سعدی در این زمینه است؛ لذا از توضیح سایر پژوهش‌ها در متون غیر ادبی چشم‌پوشی نموده و فقط بعضی از این آثار را در پانویست^۱ ذکر می‌نماییم و فقط به معرفی کارهای تحقیقی انجام شده در متون ادبی اکتفا می‌نماییم.

۱. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه عبارتند از:

1. Vahid Dastjerdi, Hossein; Taghizadeh, Sakineh, (2006), Application of Cohesive Devices in Translation: Persian Texts and Their English Translations in Contrast, Translations Studies, Vol. 3, No. 12, Winter 2006.

۲. بررسی حذف در زبان فارسی، (۱۳۷۳)، فاطمه فضلعلی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

۳. مقاله‌ی "بکارگیری روابط واژگانی در سبک شناسی و کاربرد آن در شعر نیمایی" (۱۳۷۶)، کوروش طارمی، در مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۴. روابط انسجامی در زبان فارسی (ارجاع)، (۱۳۷۶)، زینب محمدابراهیمی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.

۵. حذف و جانشینی به عنوان ابزارهای انسجام متن در زبان فارسی، (۱۳۷۶)، لادن مظفرزاده رودسری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه تهران.

۶. مقایسه ساخت سازه‌ای گروه اسمی و گروه حرف اضافه‌ای در زبان فارسی و انگلیسی، (۱۳۷۸)، محمدرضا پهلوان نژاد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷. بررسی عوامل انسجامی در قرآن: سوره یوسف، (۱۳۸۰)، مجید فصیحی هرندی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی، دانشگاه علامه- طباطبایی. (ادامه در پانویست صفحه‌ی بعد)

الف. کتاب‌ها و مقاله‌ها

قبل از بررسی آثار انجام شده در زمینه‌ی انسجام، شایان بحث است که در مورد حافظ و غزل او کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است؛ اما مسئله‌ی انسجام و پیوستگی معنایی در همه‌ی این آثار به طور آشکار مطرح نشده است. در بعضی از این کتاب‌ها مسئله‌ی تنوع مضمون در غزل حافظ به طور اخص و انسجام به طور ضمنی و اعم بیان شده است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- «حافظ چه می‌گوید؟» (۱۳۲۲) از احمد کسروی
- «تحول شعر فارسی» (۱۳۳۹) از زین‌العابدین مؤتمن
- «نقشی از حافظ» (۱۳۴۲) از علی دشتی
- «مکتب حافظ» (۱۳۴۴) از منوچهر مرتضوی
- «مقدمه‌ای بر تدوین غزل‌های حافظ» (۱۳۶۷) از سلیم نیساری
- «موسیقی شعر» (۱۳۶۸) از محمد رضا شفیعی کدکنی
- «جمع پریشان» (۱۳۶۸) از علی اکبر رزّاز
- «آیین‌های جام» (۱۳۷۴) از عباس زریاب خویی
- «گلگشت در شعر و اندیشه‌ی حافظ» (۱۳۷۴) از محمد امین ریاحی
- «آنچه همه خوبان دارند» (۱۳۷۹) از محمود عبادیان

-
۸. بررسی و مقایسه‌ی انسجام پیوندی در متون علمی کودکان و بزرگسالان. (۱۳۸۰). مریم آسترکی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی واحد تهران مرکزی.
 ۹. بررسی و مقایسه انسجام دستوری در زبان فارسی. (۱۳۸۱)، مهناز غلاملو، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی، واحد تهران مرکزی.
 ۱۰. بررسی انسجام و پیوستگی در کتاب پیش‌دانشگاهی. (۱۳۸۴)، فرج‌علی سیف‌پور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، واحد تهران مرکزی.
 ۱۱. مطالعه مفهوم انسجام زبانی در قرآن کریم. (۱۳۸۵)، شکوه آذرینژاد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور. (بی‌جا).
 ۱۲. بررسی عوامل انسجام بین متنی در نوشته‌های دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی شهر تهران. (۱۳۸۶)، سمیه ابوزر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته-ی زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه جامع پیام نور استان تهران.
 ۱۳. انسجام واژگانی در قرآن: بررسی سوره‌ی نور بر پایه‌ی نظریه‌ی هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، (۱۳۸۶)، حسین رجبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
 ۱۴. بررسی عوامل انسجام در کتاب‌های درسی دانشگاه پیام نور، (۱۳۸۷)، شهناز سلطان‌زاده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، (بی‌جا).
 ۱۵. اهمیت عوامل انسجامی در ترجمه رمان، (۱۳۸۷)، رضاعلی روشنعلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی مترجمی زبان انگلیسی، واحد تهران مرکزی.
- ...

- «طلا در مس» (۱۳۸۰) از رضا براهنی
- «عرفان و رندی در شعر حافظ» (۱۳۸۱) از داریوش آشوری
- «درس حافظ» (۱۳۸۶) از محمد استعلامی
- و...

به جز این آثار، در کتاب‌ها و مقالات دیگری نیز به بررسی انسجام غزل حافظ و گاه دلیل آن به طور اخص پرداخته شده است که این آثار عبارتند از:

- «اصالت و توالی ابیات در غزل‌های حافظ» (۱۳۵۳) از مسعود فرزاد:

فرزاد از جمله پژوهشگرانی است که انسجام در غزل‌های حافظ را به طور ضمنی در «توالی ابیات» جستجو می‌کند. وی در این کتاب بر اساس جداول تطبیقی و با استفاده از باریکه‌های کاغذ که یک بیت حافظ روی هر یک از آن‌ها نوشته شده بود، به مرتب کردن ابیات اقدام نموده است. چنان‌که خود می‌نویسد: «این جداول، مستقیماً مکمل و جامع نسخ هستند و وظیفه‌ی جمع‌آوری ابیات و تعیین محل آنان را در فرد فرد منابع ایفا می‌کنند (۱۳۵۳: م- ۴)». آنچه مسلم است این است که او برای دستیابی به این پیوستگی و نظم در ابیات، به دنبال مرتب کردن ابیات بر اساس این جداول بوده است؛ همان‌کاری که بعدها خانلری، ابتهاج و شاملو به روشی دیگر در جستجوی آن بوده‌اند که البته کار ما در این پژوهش، مرتب کردن ابیات و توالی ابیات نیست.

- «ژرف ساخت دوری و روساخت گسسته در فرهنگ مشرق زمین و خاستگاه آن و تأثیر آن در غزل-های حافظ» (۱۳۷۰) از علی محمد حق شناس:

حق شناس در این مقاله در باب تنوع مضامین در غزل حافظ بر این باور است که مضامین به ظاهر ناهمگون در غزل حافظ با مضمون مرکزی و آغازین همان غزل، متناسب و هم‌سنخ و دمسازند. وی ریشه‌ی این تنوع ظاهری در غزل را در فرهنگ مشرق زمین می‌داند و معتقد است آثار فرهنگی شرق دارای روساخت «گسسته‌نما» و ژرف ساخت «دوری» یا «دایره‌ای» است. به این معنی که در هر غزلی از حافظ، همه‌ی ابیات به لحاظ مضمون با مضمون اصلی همان غزل در ارتباطند. سپس نتیجه می‌گیرد که با تکیه بر همین حقایق است که می‌گوییم درست نیست که بپنداریم ابیات غزل‌های حافظ نسبت به یکدیگر، «استقلال، یعنی تنوع و تباعد» دارد.

- «ساخت معنایی یک غزل حافظ» (۱۳۷۲) از سیروس شمیسا:

شمیسا در این مقاله بر آن است که نشان دهد غزل‌های حافظ ساخت درونی و معنایی و شکل ذهنی منسجمی دارند و همه‌ی ابیات هر غزل به هم مربوطند. در واقع، وی به اثبات انسجام در یکی از غزل‌های حافظ از منظر ادبی پرداخته است. این غزل با مطلع زیر است:

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست

شمیسا این غزل را به سه پاره تقسیم نموده، سپس به بیان ارتباط پنهانی ابیات این غزل پرداخته است. در پایان نیز برای نشان دادن اهمیت ساخت هنری و ایجاز و انسجام این غزل حافظ، آن را با غزلی از غزل‌های عطار که تقریباً با همین مضمون است، مقایسه نموده و به این نتیجه رسیده است که عطار فقط یک مضمون را در این غزل مطرح کرده؛ حال آنکه حافظ علاوه بر مضمون اصلی غزل - حرام بودن خواب بر عاشق - یکی دیگر از موضوعات عمده‌ی غزلیات خود را که منازعه با زاهد است نیز مطرح نموده و آن را به مضمون اصلی غزل پیوند داده است.

همان‌طور که می‌بینیم شمیسا هرچند این ارتباط معنایی را در غزل توضیح داده؛ اما فقط در یک غزل حافظ - آن هم از نوع غزل‌های تقریباً روایی حافظ - به این موضوع پرداخته است. در واقع، این غزل اصلاً روایی و پیوسته است و نیاز به اثبات نداشته است.

- «بحثی در ساختار غزل فارسی» (۱۳۷۳) از سعید حمیدیان:

حمیدیان در این مقاله در پاسخ به مقاله‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی با عنوان «قرآن و اسلوب هنری حافظ» بر این باور است که تنوع مضمونی در ابیات غزل حافظ حلقه‌ای از زنجیره‌ی سنت است و به یکبارگی در غزل به وجود نیامده است که آن را مختص حافظ بدانیم؛ بلکه از حدود سده‌ی ششم این ویژگی کم کم پایه‌گذاری می‌شود و در سده‌ی هفتم و هشتم تشخیص بیشتری می‌یابد. بنابراین، می‌توان گفت که وی نیز معتقد به تنوع مضمونی در غزل حافظ است؛ اما حافظ را مُبدع آن نمی‌داند. وی (۱۳۷۳):

(۶۲۵) به صراحت اذعان می‌کند که نمی‌توان منکر این حقیقت مسلم شد که تنوع و یا گسسته‌نمایی مضامین غزل هیچ‌یک از شاعران قبل و معاصر حافظ چه از لحاظ کمیت و چه کیفیت به پای سخن خواجه نمی‌رسد. سپس وی به معرفی شاعرانی که کم و بیش بر شیوه‌ی حافظ تأثیر گذارده‌اند و همچنین غزل‌هایی از آنان که دارای مضامین متعدد هستند، می‌پردازد.

- «ذهن و زبان حافظ» (۱۳۸۰) از بهاء‌الدین خرمشاهی:

خرم‌شاهی در این کتاب بر آن است تا دلیل تنوع و تباعد مضمون در غزل حافظ را تأثیرپذیری از قرآن ذکر نماید. وی از جمله پژوهشگرانی است که معتقد است در هر بیت یا هر چند بیت از غزل حافظ، ساز و سرودی جداگانه سروده می‌شود. چنان‌که وی (۱۳۶۱: ۱۶۷) بر این عقیده است که «فرق فارق و تفاوت ماهوی غزل و قصیده و یا غزل قرن هشتم و به بعد، با قرن چهارم و پنجم و ششم در این است که در غزل، علی‌الخصوص غزل قرن هشتم و به بعد، لزوماً فکر و مضمون ثابت و واحدی دنبال نمی‌شود (گیرم که شایع‌ترین مضمون و مایه‌اش حکایت اطوار عشق است). این بر اثر تکامل غزل و به کار گرفتن بیشتر از این قالب به دست حافظ بوده که آن‌همه حرف و حکمت را فقط به شرطی می‌توانسته است بگوید که در هر بیت یا هر چند بیت از یک غزل بتواند ساز و سرودی دیگر سر کند.»

بنابراین، وی در فصلی از این کتاب با عنوان «قرآن و اسلوب هنری حافظ» پس از بیان تنوع مضمون در قرآن - در سوره‌ی بقره- به بیان و بسط این نکته می‌پردازد که شاخه شاخه بودن مضامین و استقلال ظاهری ابیات در غزل حافظ، خدش‌های به فضای کلی و روح هنری یا القای معانی نمی‌رساند. به این ترتیب، او اصلاً با وجود انسجام در غزل حافظ مخالف است و مسلماً نه تنها در پی اثبات آن نیست که به دنبال نفی آن بر اساس تأییدپذیری از قرآن است. در هر صورت، به این دلیل که در جهت عکس این تحقیق اقدامی صورت گرفته، این کتاب حایز اهمیت است.

- «گمشده‌ی لب دریا» (۱۳۸۲) از تقی پورنامداریان:

در این اثر، بیش از سایر آثار مذکور به مسئله‌ی انسجام ادبی در غزل حافظ پرداخته شده است؛ هرچند موضوع اصلی این کتاب، شرح بعضی از غزل‌های حافظ به روشی بدیع و تازه است. از جمله نکات جالب در این کتاب این است که پورنامداریان به طور ضمنی به مسئله‌ی بافت موقعیت در تفسیر معنی غزل‌ها توجه داشته است؛ اما همان‌طور که گفته شد این کتاب دیدی ادبی به انسجام معنایی غزل داشته است که با پژوهش حاضر که به بررسی انسجام زبانی غزل‌ها می‌پردازد، متفاوت است.

- «پیوند عمودی و انسجام معنایی در غزل‌های حافظ» (۱۳۸۴) از منیژه عبداللّهی:

این مقاله از آن جهت که به طور صریح به پیوند عمودی و انسجام معنایی در غزل‌های حافظ اشاره کرده است، حایز اهمیت است. عبداللّهی از دیدی متفاوت به بررسی انسجام در غزل‌های حافظ پرداخته است. وی پنج محور اصلی هماهنگ کننده‌ی غزل‌های حافظ را به شرح زیر معرفی می‌کند:

۱. به‌کارگیری عنصر روایت ۲. برخورداری از یک فضای هماهنگ یا موتیف مقید در ساختار غزل ۳. تحمیل و گستراندن عنصر معنایی همسان بر کل غزل ۴. گستردن و پراکندن مصداق‌ها و نمونه‌های گوناگون از یک حقیقت واحد ۵. واژه‌ها در خدمت انسجام و مضمون‌سازی.

چنان‌که دیده می‌شود آخرین محور، مربوط به انسجام و مضمون‌سازی است؛ اما وی به روشی علمی به بررسی واژه‌هایی که در خدمت انسجام هستند، پرداخته است. برای مثال وی (۱۳۸۴: ۱۳۳-۱۳۲) در مورد این واژه‌ها معتقد است: «در این بخش از واژه‌هایی گفتگو می‌شود که در غزل به طور تصادفی پخش شده‌اند؛ اما با دنبال کردن متوالی آن‌ها، یک محور اساسی پدیدار می‌شود. در این روش شاعر به بازیگوشی می‌پردازد و به نوعی از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر پریدن را یادآور می‌شود، اما این پرش‌ها بی‌حساب و حاصل پریشان‌خیالی نیست و در واقع با تداعی معانی روان‌شناسانه که از ذهنی خلّاق تراوش کرده، هماهنگ می‌شود. گویی شاعر با شوخ‌طبعی، به عمد خواننده را به دنبال خود می‌کشاند تا پس از جهش‌ها و افت و خیزهای ذهنی، او را به مطلوب برساند.» و در ادامه در غزلی با مطلع:

«آن که رخسار تو را رنگ گل و نسرین داد
صبر و آرام تواند به من مسکین داد»